گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۶۷۹۳
یکشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۱ ۲۱:۳۷

یادداشتی از مهرداد صدرنفیسی؛

تخم مرغ های شوم

کتاب تخم مرغ های شوم روایت دست درازی حکومت ها به علم است. حکومت های خودکامه ای ،همچون شوروی سابق، که همیشه علمِ فارغ از معصیت را به موجودی عصیانگر و سرکش بدل می کنند.

به گزارش خبر، مهرداد صدر نفیسی در یادداشت ارسالی با موضوع "تخم مرغ های شوم" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛
چند روزی بود که بنا بر علاقه ی خویش به ادبیات و فرهنگ روس مشغول خواندن کتابی با عنوان تخم مرغ های شوم بودم. این کتاب زیر سیطره ی قلمِ نویسنده ی فقید روسی، میخائیل بوگاکف، به رشته تحریر در آمده است و حقیقتا اثریست جاودانه! اثری که کوتاه و مجمل نوشته شده است.
کتابی که من به خوانش آن مشغول بودم در نشر برج، با قطع جیبی و در ۱۶۰ صفحه به چاپ رسیده است.
از میخائیل بولگاکف روسی کتاب های زیادی به جا نمانده است؛ اما بی شک می توان نام این نویسنده را در زمره ی نویسندگان اثر گذار قرن بیستم نام نهاد.
کتاب تخم مرغ های شوم همچون دیگر آثار بولگاکف به سبک سوررئال (فراواقع) نوشته شده است.
نشر برج در معرفی این کتاب می نویسد: «تا سال ۱۹۲۴ بولگاکف با داستان های کوتاه اش به عنوان یک نویسنده توانا شناخته شده بود؛ هرچند هنوز رمان های اصلی خود مثل «گارد سفید» و «مرشد و مارگریتا» را ننوشته بود.
در اکتبر این سال او «تخم مرغ های شوم» را به پایان رساند که سال بعدش در مجله «ندرا» به چاپ رسید. داستان از همان زمان جنجالی شد. عده ای آن را یک داستان «ضد شوروی» قلمداد کردند و حتی برخی معتقد بودند که بولگاکوف در شخصیت «پروفسور پرسیکف» خود شخص «ولادیمیر لنین» را مورد نقد قرار داده است. یعنی رهبر انقلاب شوروی که علی رغم حسن نیت اولیه، دستاورد نهایی اش برای روسیه چیزی جز ویرانی و فلاکت نبود.»
کتاب پیش رو بیشتر حول محورِ تسخیر علم توسط حکومت ها می چرخد. به همین جهت با گذشت نزدیک به صد سال از نوشتن و چاپ آن هنوز مورد توجه منتقدان است و همچنین می توان مصداق آن را در بسیاری از نقاط جهان یافت.
در این کتاب نویسنده ایدئولوژی حاکم بر اجتماع آن روز روسیه (شوروی) را مورد نقد قرار می دهد. نقدی که با استفاده از تابیدن پرتویی سرخ (ایدئولوژی کمونیسم) بر گونه های جانوری (طبقات جامعه) آغاز می شود و با تبدیل شدنِ پژوهش علمی، که در یک آزمایشگاه کوچک علمی آغاز شده بود، به فاجعه ای بشری به پایان می رسد.
بولگاکف در این داستان کوتاه سعی داشته با استفاده از حربه ای به نام علم نشان دهد تئوری حاکم بر شوروی (کمونیسم) چگونه در ابتدا رشد و نمو شهروندان را نوید می دهد؛ اما در پایان ایدئولوژی حاکم با دست درازی جاه‌طلبانه به علم بلای جان مردم شوروی می شود.
پس از نوشتن این کتاب هنوز فشارها بر بولگاکوف بالا نگرفته بود و نویسندگان بزرگ و پر نفوذی چون «ماکسیم گورکی» هنوز زنده بودند تا در تمجید از داستان اش آن را «اثری استادانه و جذاب» بخوانند. خود بولگاکوف، پس از انتشار داستان و جنجال های حاشیه ای آن در دفتر خاطرات اش نوشت: «آیا این یک طنز است؟ یا یک حرکت تحریک آمیز؟ ... می ترسم که به خاطر این قهرمان بازی ها سرم را به باد بدهم».در آخر باید نوشت کتاب تخم مرغ های شوم پیش از رمان خارق‌العاده او یعنی مرشد و مارگاریتا نوشته و به چاپ رسیده است. قطعا هر مخاطبی با خواندن کتاب تخم‌مرغ های شوم به خواندن اثر جاودانه ی میخائیل بولگاکف یعنی کتاب مرشد و مارگاریتا سوق پیدا می کند.